

خورشیدِ عیتا - علیرضا هزار

علمی - ترویجی

فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه

سال هفدهم، شماره ۶۸ «ویژه قرآن و حدیث»، پاییز ۱۳۹۹، ص ۱۵۴-۱۶۸

خورشیدِ عیتا^۱

علیرضا هزار*

چکیده: این گفتار در باره سید جعفر مرتضی عاملی (۱۳۲۳-۱۳۹۸ ش.) و منش و روش علمی و عملی او در جهت تحقیق و ترویج تشیع است. نگارنده بیان شرح حال سید جعفر مرتضی را گامی در راه تبلیغ دین می‌داند و چهار کتاب از او را به اختصار معرفی می‌کند. در شمار ده ویژگی او که در مقاله بیان شده، بلند همتی، دردمندی، وظیفه‌شناسی، حریت علمی، و سلامت اعتقادی، بخشی از ویژگی‌های جعفر مرتضی است که در مقاله بیان شده است. **کلیدواژه‌ها:** عاملی، سید جعفر مرتضی؛ ویژگی‌های علمی و عملی جعفر مرتضی؛ تألیفات جعفر مرتضی؛ تاریخ علمی تشیع - قرن چهاردهم و پانزدهم؛ حوزه علمیه لبنان.

۱. متن حاضر، پیاده و ویرایش شده سخنرانی این بنده است که در اصفهان برگزار شد است؛ جلسه‌ای که به مناسبت رحلت علامه سید جعفر مرتضی عاملی از جانب حوزه علمیه اصفهان، در مرکز جهانی حضرت ولی عصر^۷ در سال ۱۳۹۸ برگزار شد.
*دکترای علوم اسلامی، محقق و پژوهشگر.

بزرگداشت شخصیت مرحوم علامه آیت‌الله سید جعفر مرتضی‌العاملی که سالی از وفات ایشان می‌گذرد و پرداختن به او، دارای موضوعیت نیست؛ بلکه به عنوان موضوعی که طریقت دارد، دارای اهمیت است. بنابر این کسی مکلف به نوشتن از فردی به نام سید جعفر مرتضی‌العاملی نیست؛ بلکه او چون ناصر حجت خدا بود، به پاس حجت خدا، یکی از ناصران او را نیز باید پاس داشت. از او می‌گوییم تا از خدماتش به ولیّ خدا بگوییم و تجلیل از او، پاسداری از حجت خداست.

راقم این سطور مفتخر است که از جناب سید جعفر مرتضی‌العاملی بنویسد، چرا که شناختم از ایشان بر اساس روایت نیست، بلکه درایت است. یعنی توفیق داشته‌ام که از سالیان پیش، ایشان و آثار و مآثر علمی ارزشمندش را می‌شناسم و بارها محضرش در لبنان در همان عینا الجبل^۱ مشرف شده‌ام. ویژگی‌های کم‌نظیر این عالم بزرگوار، انگیزه‌ای اساسی است تا در باره ایشان و فراورده‌های علمی‌اش نوشته و گفته شود.

قابل ذکر است که به طور کلی با دو رویکرد می‌توان درباره بزرگان و عالمان سخن گفت:

۱. سید جعفر مرتضی‌العاملی در ۲۵ صفر ۱۳۶۴ (۲۰ بهمن ۱۳۲۳) در روستای عینا الجبل، در ۱۱۰ کیلومتری شهر بیروت؛ واقع در جنوب لبنان به دنیا آمد. نسب خاندان پدری‌اش به «الحسین ذوالدمعه»، فرزند زید، فرزند سجاد ابن حسین می‌رسد.

۱. رویکرد تقدیسی

۲. رویکرد تحلیلی

رویکرد تقدیسی آن است که در باب وی مدح و ثنا کنیم و بر طبل تمجید و تبجیل بکوبیم. این روش با آنکه شایع‌ترین روش در جامعه امروز است، بی‌ارزش‌ترین و بی‌ثمرترین روش نیز هست. یعنی برای پسینان هیچ بهره‌ای ندارد و آنان از وی و شخصیت علمی او هیچ اثر و نتیجه‌ای نخواهند گرفت و چراغی بر نخواهد افروخت.

اما در رویکرد تحلیلی بر اوصاف او تأکید می‌کنیم و آن را برجسته و قابل تأسی می‌کنیم. این روش نه آدمی را به تملق می‌اندازد و نه به پرگویی‌های غیراعتدالی در می‌غلطیم، بلکه وی را به مثابه یک مسیر قابل عبور و حرکت برای دیگران می‌شناسانیم.

البته ممکن است تقدیس افراد برای گوینده متاعی داشته باشد، اما حقیقت این است که تقدیس‌ها به کار کسی نمی‌آید؛ در نتیجه باید موظف به تحلیل افراد بود. در این مجال می‌کوشیم علامه سید جعفر مرتضی را تحلیل کنیم و وی را برای نسل امروز و جامعه عالمان، قابل تأسی کنیم. بنا بر این باید هوشیار بود که درباره عالمان نباید به وادی تقدیس رفت، چرا که دچار شدن به تقدیس، ثمره آن سخن تنها به همان محفل محدود می‌شود و فایده‌ای بر آن در آینده مترتب نخواهد بود. هدف در این نوشتار، یادکرد و تحلیل از عالمی است که عمر خود را «بِقَلْبِهِ و لِسَانِهِ و يَدِهِ» (الکافی، ج ۱، ص ۱۶۸) صرف دفاع از حجت خدا کرد و ثمراتی ژرف از خود به جای گذاشت. در تحلیل این شخصیت باید به این آیه شریفه توجه کرد: «تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ حَلَّتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَ لَكُمْ مَّا كَسَبْتُمْ وَ لَا تُسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ.» (البقره: ۱۳۴)

بازخوانی شخصیت علمی و معرفی برخی از آثار مرتضی

علامه سید جعفر مرتضی‌العاملی برآمده از سه حوزه لبنان، نجف اشرف و قم بود؛ لذا دانش و فهم خود را مدیون فضای حوزه و فقه سنتی است. منهج وی برگرفته از تفکر حوزه نجفی موجود در قم بود. او فقیهی بود که با توانمندی فقه به تاریخ‌نگاری و اعتقادپژوهی رسید.

برخی از ویژگی‌های شخصیتی علامه سید جعفر مرتضی‌العاملی چنین است:

۱. کوشایی و بلندهمتی

یکی از ویژگی‌های این مرد بزرگ، کوشایی و بلندهمتی او بود. او در مباحث علمی به امور کوچک قانع نمی‌شد و در نوشتن و پژوهش بسیار بلند همت عمل می‌کرد. به همین علت آثار او در شمار شاهکارهاست.

در این قسمت به معرفی چند اثر او که حکایت از کوشایی و بلندهمتی دارد پرداخته خواهد شد:

✽ «الصحيح من سيرة النبي الاعظم صلى الله عليه وآله» در ۳۵ جلد

این کتاب نخستین و دقیق‌ترین کتاب در حال خوانی رسول خدا است و در کمیت و کیفیت نگارش، اثری کم‌نظیر به شمار می‌رود. اهل سنت کتاب‌های مختلفی مانند سبل الهدی و سیره ابن هشام درباره سیره و زندگانی رسول خدا دارند، اما در میان شیعیان چنین اثری وجود نداشت. این کتاب به لحاظ نقّادی اخبار و روایاتی که در سیره پیامبر نقل شده‌اند، شایان توجه است. چنان که از نام کتاب پیدا است، نویسنده در این اثر کوشیده است سیره مکتوب پیامبر اکرم را از

۱. او در زندگیش درگیر عناوین نبود. علامه سید جعفر مرتضی‌العاملی را در لبنان، «سید» می‌خواند و با «سید جعفر». برای مردمان پدر بود و طیب. با آدمیان تعایش داشت. از بالا به مردم نگاه نمی‌کرد. برای دیدن او، لازم نبود که مردمان ده‌ها دربان را پشت سر بیگذارند.

اخبار ضعیف برهاند و با نقد و بررسی اخبار منابع پیشین، تاریخی مبتنی بر اخبار صحیح بنویسد. سیدجعفر مرتضی عاملی با نگاه خاص و شیعی خود به سیره و تاریخ پیامبر^۶ و با بهره‌گیری از منابع فراوانی از فریقین (۱۶۸۳ کتاب) به بازسازی سیره نبوی پرداخته است.

نویسنده علاوه بر سبک ویژه در سیره‌نگاری، دیدگاه‌های ابتکاری ارزشمندی در شماری از حوادث و وقایع مهم و سرنوشت‌ساز تاریخ اسلام دارد که به خواننده ارائه می‌دهد. این اثر دارای ویژگی‌های منحصر به فردی است که «الصحیح» را از دیگر کتاب‌های قدیم و جدید سیره ممتاز کرده است.

شیوه مؤلف چنین است که روایات و نقل‌های فراوانی از یک واقعه یا حادثه تاریخی را از منابع گوناگون نقل نموده، سپس با معیارهای شناخت اخبار به نقد و ارزیابی آن از وجوه و جنبه‌های متعدد می‌پردازد. وی سپس با بهره‌گیری از قرآن - که آن را صحیح‌ترین کتاب می‌داند که باطل در آن را ندارد - می‌کوشد از آن برای تشخیص احادیث و نقل‌های صحیح از ضعیف استفاده کند.

وی مجموعاً در ۵۰۰ مورد به آیات قرآن برای تشخیص نقل صحیح استناد می‌کند. کتاب، تمام مباحث دوران مکه و مدینه را به ترتیب تاریخی و به شیوه سال‌شمار، در بردارد. بنابراین از ویژگی‌های آن، پرداختن به تمامی موضوعات حتی جزئیات رویدادهاست. در عین حال تفاوت اصلی آن با دیگر آثار تفصیلی آن است که با نگاهی نقادانه به بررسی و تحلیل یکایک گزارش‌های مورخان و سیره نویسان می‌پردازد.

* «الصحیح من سیره الامام علی علیه السلام» ۵۳ جلد:

این کتاب نیز بر همان روش و منهج کتاب پیشین به تاریخ‌خوانی امیرالمؤمنین^۷ پرداخته است. کتاب با یک تقدیم و یک تمهید شروع شده و مطالب آن در سه

بخش جمع‌آوری و تدوین شده است. بخش اول که حدود هشت و نیم جلد این مجموعه است، مربوط به شرح زندگانی امام علی بن ابی‌طالب^۷ در دوران حیات پیامبر اسلام است. بخش دوم نیز از اواسط جلد نهم شروع شده و تا ابتدای جلد نوزدهم ادامه می‌یابد. این بخش مربوط به دوران زندگی امیرالمؤمنین^۷ از بعد از وفات پیامبر تا ابتدای بیعت مردم با وی بعد از قتل عثمان بن عفان است. این بخش که از جهاتی مهم‌ترین قسمت زندگانی حضرت است، بیشترین مطالب کتاب را به خود اختصاص داده است. بخش سوم شامل برخی از مطالبی است که بعد از بیعت مردم با امیرالمؤمنین^۷ اتفاق افتاد؛ یعنی از بعد از بیعت تا هنگام شهادت حضرت. * «المجتبی من سیره المجتبی علیه السلام» در ۱۲ جلد:

این اثر گران ارج که گاه به نام «سیره الحسن علیه السلام فی القرآن و الحدیث» نیز شناخته می‌شود، در دوازده جلد منتشر شده است. حکایت نگارش این اثر ارزشمند نیز بسیار نغز است. تألیف این موسوعه کرامند، در زمانی پیش می‌رفت که او در بستر بیماری بود، در اوج رشد بیماری سرطانش. دغدغه اصلی او این بود که توفیق به پایان بردن این کتاب را بیابد، و خداوند موفقش داشت.

او پیش از این نیز یک تک نگاری درباره امام مجتبی^۷ قلمی کرده بود؛ «تاریخ سیاسی امام حسن^۷».

در این موسوعه ۱۲ جلدی، علامه علاوه بر ذکر تاریخ امام حسن^۷، به نقد و ردّ شبهات و اتهاماتی پرداخت که از جانب خصم نسبت به وجود مقدس حضرت امام مجتبی^۷ وارد شده است. به عنوان مثال، یکی از مباحثی که در باب زندگانی امام مطرح شده، موضوع مطلق بودن است. در سیره امام حسن^۷ پاسخ این شبهه و دروغ تاریخی به قوت تمام بررسی و ردّ شده است.

* «سیره الامام الحسین علیه السلام فی الحدیث و التاریخ» در ۲۴ جلد.

نویسنده در این کتاب، حیات امام حسین ۷ را از زمان تولد آن حضرت تا بازگشت کاروان اسرای اهل بیت: به مدینه بحث می‌کند. نگارنده سیره‌الْحَسَنِین ۷، در هر رویداد تاریخی که نقل می‌کند - حتی در مواردی که مستقیماً به امام حسین ۷ مرتبط نیست - رفتار و موضع‌گیری آن حضرت را نقل و تحلیل کرده است.

نویسنده در هر مسئله تاریخی، در صورتی که حدیثی از ائمه اطهار وارد شده باشد، ابتدا آن را از منابع متعدد شیعی و اهل سنت می‌آورد و سپس روایت کتاب‌های تاریخی را نقل می‌کند. در مواردی که حدیثی وارد نشده نیز، به تحلیل نقل‌های تاریخی اکتفا می‌کند. ایشان برخی مسائل تاریخی اختلافی را نیز که لزوماً به حضرت اباعبدالله ۷ مرتبط نیست، مطرح می‌کند، نظرات مختلف را می‌آورد و در نهایت، نظر و استنباط خود را بیان می‌دارد؛ مانند جریان سقیفه، شهادت حضرت فاطمه سلام الله علیها و بحث عایشه و ارتباط با امامان و جریان دفن امام حسن ۷. همچنین طبق ادعای نویسنده شبهاتی را نیز که درباره حیات و سیره امام حسین ۷ وارد شده، طرح می‌کند و پاسخ می‌دهد؛ مثل مهریه همسران آن حضرت، یا بحث وجود رقیه دختر امام حسین.

۲. دردمند بودن و نگاشتن

مرحوم علامه مرتضی در نوشتن دردمند بود؛ او این دردها را یا تبیین می‌کرد یا برای آنها درمانی را در اختیار می‌گذاشت. او از سر تفنن یا تبختر نمی‌نوشت. مقالات و کتاب‌هایش برای ارتقاء پایه علمی و رتبه دانشگاهی یا پایه حقوقش تألیف نمی‌شد؛ بلکه مشکلی را می‌یافت و سؤالی را می‌دید که به جامعه آسیب می‌زند و دردناک می‌کند. او از آن دردمند می‌شد و برای درمان آن قلم در دست می‌گرفت.

به عنوان مثال، زمانی که آقای دکتر سروش شبهه‌ای مطرح کرد، علامه سید

جعفر مرتضی خود را مکلف به پاسخ آن می‌دید؛ یا در درس خود به آن پاسخ می‌گفت، یا در مکتوباتش یا هر دو. نمونه‌ای از این کار، کتابی کوچک ولی پربار است با عنوان «لَسْتُ بِفَوْقِ أَنْ أُخْطِئَ». این اثر به نوعی پاسخی است بر یکی از سخنان دکتر سروش.^۱

باری، آنچه او تألیف کرد برای دنیای خودش نوشت. کتابی را برای روشن شدن گور نمی‌نوشت؛ بلکه برای روشنایی دنیا می‌نوشت، زیرا با روشن شدن دنیا، آخرت آدمی هم روشن خواهد شد.

او دانش و پژوهش را برای رسالت می‌خواست نه تجارت. پژوهشگری تاجر نبود و پژوهش ابزار تجارتش نبود. زمانی به ایشان بشارت دادند که کتاب ۵۳ جلدی «الصحيح من سيرة الامام علي بن ابيطالب» به عنوان دومین کتاب سال جمهوری اسلامی ایران برگزیده شد. در آن حال فرمود: امیدوارم توانسته باشم با نوشتن این کتاب، لبخندی بر لبان امیرالمؤمنین^۷ نشانده باشم.

۱. این جمله همان کلام امیرمؤمنان است که می‌فرماید: «وَلَا تَطْنُوْا بِي اسْتِثْقَالًا فِي حَقِّ قِيْلِي وَلَا التَّمَسَّ اِعْظَامِ لِنَفْسِي، فَإِنَّهُ مَن اسْتَثْقَلَ الْحَقَّ اَنْ يُقَالَ لَهُ اَوِ الْعَدْلُ اَنْ يُعْرَضَ عَلَيْهِ، كَانَ الْعَمَلُ بِهِمَا اَثْقَلَ عَلَيْهِ. فَلَا تَكْفُؤْا عَن مَقَالَةِ الْحَقِّ اَوْ مَشُورَةِ بَعْدَلٍ، فَإِنِّي لَسْتُ فِي نَفْسِي بِفَوْقِ اَنْ أُخْطِئَ وَلَا اَمْنُ ذَلِكُ مِنْ فَعْلِي اِلَّا اَنْ يَكْفِي اللّٰهُ مِنْ نَفْسِي مَا هُوَ اَمْلَكُ بِهِ مِنِّي» (نهج البلاغه، ص ۳۳۵)؛ (وگمان نکنید که شنیدن سخن حق بر من سنگین است و مپندارید که تعظیم نابجای خود را از شما درخواست دارم، زیرا آن که اگر سخن حق به او گفته شود، یا عدالت به او پیشنهاد گردد بر او سنگین آید، عمل به حق و عدل بر او دشوار تر است؛ بنابراین از حق گویی یا مشورت به عدل خودداری نکنید، که من در نظر خود نه بالاتر از آمم که خطا کنم، و نه در کارم از اشتباه ایمنم مگر اینکه خداوند مرا از نفسم کفایت کند نفسی که خداوند از من به آن مالک تر است). برخی از گویندگان با حذف استثنای آخر حدیث، از آن کلام تقطیع شده چنین نتیجه گرفتند که امیرالمؤمنین^۷ عصمت خود را نفی کرده است.

۳. شناخت درد و ارائه درمان متناسب با آن

گاهی کسی درد را می‌شناسد، اما درمانی که ارائه می‌دهد با درد تناسب ندارد. گاه کسی درد را می‌شناسد و درمانی ارائه می‌کند که با این درد متناسب است. عده‌ای هم سالبه به انتفاء موضوع هستند و اساساً درد را نمی‌شناسند. عالمان دین چونان طبیبان‌اند و درمانگران درد.

مرحوم سید جعفر مرتضی‌العاملی اولاً درد را می‌شناخت، ثانیاً درمان را متناسب با این درد ارائه می‌کرد؛ این موضوع را با پیگیری نقدهای او می‌توان به دست آورد. غالب کارهای ایشان، هم از جهت دردشناسی و نیز درمان‌گری علمی بسیار قابل درنگ و شناسایی است.

۴. حریت و آزادگی در نقد نگاری

علامه سید جعفر مرتضی‌عاملی، در بحث علمی و پژوهش‌های دینی، آنچه برایش اصالت داشت، حقیقت و واقعیت بود. وی عمر شریف خود را بر این مدار صرف کرد. او هر جا سخن و ادعا و نظریه‌ای دینی را با مبانی اعتقادی خود سازگار نمی‌دید، به نقد و ترمیم آن می‌پرداخت؛ در این کار، محاسبات متداول و جاری در جامعه را واقعی نمی‌نهاد و بر نمی‌تافت. موارد زیر نمونه‌هایی از این دست هستند:

* نقد بر نظریه‌های آقای سید محمدحسین فضل‌الله

آقای فضل‌الله جایگاه اجتماعی مهمی در لبنان داشت. وی در باره موضوع شهادت حضرت زهرا 3 نکاتی بیان کرد که با نگاه اصلی و محوری شیعه امامی در تعارض جدی بود. مرحوم علامه سیدجعفر مرتضی، بی‌هیچ تردید در نقد و بررسی این آراء و انظار و حجاب قرار ندادن مصالح و منافع، با بیانی بسیار دقیق و عالمانه به نقد آنها پرداخت. دو جلد کتاب «مأساة الزهرا سلام الله علیها» و «خلفیات مأساة الزهرا سلام الله علیها» پاسخی بود به اشکالاتی که از سوی آن عالم شیعه پراکنده

شده بود. اگر کسی شرایط اجتماعی سیاسی لبنان را بشناسد، خواهد دانست نوشتن این کتاب، چه حریت و آزادگی و شجاعتی را لازم داشت که از همه کس بر آمدنی نبود.

* نقدی بر کتاب «حماسه حسینی»^۱

مرحوم شهید مطهری، به اقتضای شرایطی که در آن می‌زیست، کتابی نوشت با نام «حماسه حسینی». در این کتاب، مباحثی مطرح شده است که اشکالات متعددی دارد. پس از نگارش این کتاب، آراء شهید مطهری به دیگر کتاب‌ها نیز راه یافت و ابزاری شد جهت طرح و دامن زدن به گفتگوهای خرافه‌پژوهی و تحریف‌پژوهی عاشورایی. علامه سیدجعفر مرتضی در نقد آن، کتاب «کربلا فوق الشبهات»^۲ را نگاشت و به مباحث مطرح شده در این کتاب پاسخ داد. طرفه اینکه مرتضی در ابتدای کتاب، اثرش را به مرحوم استاد مطهری تقدیم می‌کند. وی با این کار به عالمان می‌آموزد که در بحث علمی در عین رعایت اخلاق و ادب، صراحت و صداقت و دفاع از حقیقت را نباید فراموش کرد. ولایت و امامت اهل بیت: برای سیدجعفر مرتضی، همه سرمایه‌اش بود، بلکه تمام اصالت و حقیقت بود.

۵. سلامت اعتقادی

ویژگی بسیار ارزشمند دیگر، سلامت اعتقادی و فکری اوست. او مبانی فکر و

۱. این کتاب در دو جلد، مشتمل بر کلیه سخنرانی‌ها و یادداشت‌های شهید مرتضی مطهری، پیرامون واقعه کربلا و تحریفات تاریخی آن است؛ در نقد و تحلیل مباحث این کتاب علاوه بر کتاب علامه سید جعفر مرتضی عاملی، نگاه‌کنید به: خوانش‌ها و پایش‌های عاشورایی؛ هزار، علیرضا، قم، انتشارات دلیل ما، ۱۳۹۹.

۲. این کتاب توسط جناب حجة الاسلام والمسلمین محمد جواد زمانی به فارسی ترجمه و منتشر شده است.

اعتقادی خود را از کتاب و سنت گرفته بود. در آنچه از قلم او می‌تراوید، می‌توان این موضوع را هویدا دید. یکی از کتاب‌های وی، که به دلایل مختلفی، چندان از آن یاد نمی‌شود، نقد ابن عربی و مبانی فکری و آسیب‌های اندیشه‌ای اوست. وی کتاب ارزشمند می‌نویسد به نام «ابن عربی سنی متعصب». در مقدمه کتابش هدف از نگاشتن این کتاب را پرسش‌های متعددی می‌داند که دربارهٔ صحّت تشیع ابن عربی از ایشان پرسیده شده است. خواندن این کتاب و توجه به نگاه و روش ایشان، در بررسی ابن عربی کاملاً لازم و بایسته است.

۶. پایبندی به روش جدال احسن

یکی از ویژگی‌های آثار مرحوم علامه سید جعفر مرتضی‌العاملی برخورد با افراد و مواجهه با انظار و افکار به جدال احسن بود، به حکم «ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ...» (فصلت، ۳۴) به عبارت دیگر، نقد او بر حماسهٔ حسینی مرحوم مطهری و جزیره خضراء و ردّ بر تشیع ابن عربی، مصداق این آیه است که فرمود: «قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ.» (بقره، ۱۱۱)

در تمام آثار ارزشمندش، از شور و احساس و غوغامداری به دور بود. درک می‌کرد و ردّ می‌کرد. اخلاق مدار بود و ردّ می‌کرد. حرمت نگاه می‌داشت و اشکال می‌کرد. روش بحث او بی‌شبهت به مرحوم علامه سید عبدالحسین شرف‌الدین نبود. در پژوهش‌هایی مستقل می‌توان به شکل تطبیقی، این دو شخصیت و روش علمی آنان را در مواجهه با آراء و انظار بررسی و کاوید.

علامه سید جعفر مرتضی بعد از آنکه کتاب «بنات النبی أم ربائبه» را نوشت، نقدهای بسیاری بر او شد. او یک به یک با صبوری و ادب بسیار، تک تک آنها را خواند و پاسخ گفت. هر کدام از آنها را با دقت بسیار بررسی و پاسخ گفت و در باب هر کدامشان رساله‌ای مستقل نوشت.

۷. داشتن روح بزرگ و نپرداختن به امور پست

او دارای روحی بزرگ بود، به «سفساف امور»^۱ و کارهای پست نمی‌پرداخت و امور ناچیز مکدرش نمی‌کرد. به خاطر دارم که سال‌ها قبل با یکی از دوستان خدمت ایشان رسیدیم. یکی از شبکه‌های وهابی در توهین به ایشان، در کلیبی به نام «صرصور» تصویر شریف او را به شکل کاریکاتوری کشیده بودند و او را به استهزا «صرصور» نامیده بودند. ایشان کلیپ را دیده بود. وقتی ماجرا برای سید نقل شد، گفت: اما انصافاً خیلی قشنگ ساخته بودند. بعداً فرمود: برای شما مهم باشد که امام زمان، شما را چه می‌داند؟ اگر جامعه شما را سوسک بدانند مهم نیست، امام زمان تو را صرصور نداند.

۸. ارتباط با عموم مردم جامعه

وی عالمی بود که نه خود را در کتابخانه‌ها محبوس کرده بود و نه آنچنان برای خود مقام و مرتبه‌ای قایل بود که ارتباط با مردم را دون شان خود می‌دانست. به طور کلی ارتباطات سید جعفر مرتضی به دو گونه بود:

- ارتباط اجتماعی: خانه او دگّه القضا بود. مردمان با مصائب و مشاغل به سراغ او می‌آمدند. برای او این مهم بود که آیا دفع و رفع مشکل یک شیعه رضایت ولیّ خدا را در پی دارد یا نه؟ اگر پاسخ مثبت بود، اقدام می‌کرد و در غیر این صورت مسکوت می‌گذاشت.

۱. این تعبیر را از کلام امام سجاد^۷ وام کرده‌ام. عن علی بن الحسین^۷: ان الله یحب الجود و معالی الامور و یکره سفسافها. (مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۴، ص ۲۴۳، ۴ باب تحریم استضعاف اهل القرآن و اہانتهم و وجوب اکرامهم...); ابن منظور می‌نویسد: (س ف ف) السَّفْسَافُ: الرَّدِیء من کل شیء و الامر الحقیق و کلّ عمل دون الإحکام سَفْسَاف. (لسان العرب؛ ج ۹؛ ص ۱۵۵)

- ارتباط علمی: او در خلأ نمی‌نوشت، بلکه با مردم و برای مردم می‌نگاشت؛ و این را هم از علمای سلف آموخته بود. 'بیست و یک جلد کتاب از این بزرگ مرد به نام «مختصر مفید» به انتشار رسیده است؛ موضوع این کتاب‌ها پاسخ به پرسش‌های علمی مردمان در سه حوزه اعتقادی، تاریخی و فقهی است که از اقصی نقاط جهان به دست ایشان می‌رسد و پاسخ‌های بسیار دقیق و ارزشمندی را به این پرسش‌ها بیان می‌فرمود.

۹. نگاه اجتهادی به مسائل

ویژگی دیگر در آثار ارزشمند وی نگاه اجتهادی نسبت به مسائل بود. او اول فقیه بود، بعد مورخ و مفسر بود.

با خواندن کتب تاریخی ایشان می‌یابیم که وی از منظری اجتهادی به سراغ مسایل تاریخی می‌رود؛ یعنی چنان که یک مجتهد در حوزه طهارات و عبادات و معاملات استنباط احکام می‌کند، اینجا هم مورخ با آن مواد و مناط بحثی که در دست دارد، آراء صحیح‌ه صالحه را استنباط می‌کند.

۱۰. توانایی و قلّه سانی قلم و خامه

آثار علامه سید جعفر مرتضی‌عاملی به لحاظ نگارش و زبان عربی در بالاترین سطوح نگارش است. قدرت و استواری قلم او بسیار نیکوست. او در تسلطش بر نگارش به زبان عربی معاصر بسیار توانا بود. یکی از دلایلی که کتابهای او حتی در حوزه‌های علمیه ایران چندان مورد استقبال قرار نگرفته است، بلندای قلم او و

۱. شیخ مفید نویسنده دو کتاب «المسائل السرویه» و «المسائل الصاغانیه»/ «المسائل القاسانیه» به دوضبط، این کتاب‌ها مشتمل بر پرسش‌هایی است که مردم ساری برای او می‌نوشتند و ایشان به پرسش‌های شیعیان آن عصر پاسخ می‌داد.

کاستی‌های عربی دانی حوزوی و فاصله‌اش با عربی معاصر است. یعنی طلبه امروز، بر اساس ادبیات عربی کهنی که خوانده است، چندان نمی‌تواند از کتاب‌های سید جعفر مرتضی و ادبیات عربی او استفاده کند.

باری، چنان که در صدر کلام گفتیم، توقیر و بزرگداشت علامه سیدجعفر مرتضی‌العاملی، برای ما امری بایسته است. توقیر او محدود شدن به برگزاری جلسات و کنگره‌ها نیست. توقیر عالم، کارهایی مانند فهمیدن آثار او، کار کردن بر روی مآثرش و پرداختن به سیره علمی و انتشار آثار و کتاب‌های اوست.

امام سجاده^۷ فرمودند: ... حَقُّ سَائِسِكَ بِالْعِلْمِ، التَّعْظِيمُ لَهُ وَ التَّوْفِيرُ لِمَجْلِسِهِ وَ حُسْنُ الإِسْتِمَاعِ إِلَيْهِ ... (من لا يحضره الفقيه؛ ج ۲؛ ص ۶۱۸)

حق کسی که با علم، تو را تربیت می‌کند، این است که او را بزرگ بداری، وقار محضر او را نگاه داری و به کلامش خوب گوش بسپاری ... آری، توقیر عالم، استفاده از او و پراکندن دانش اوست. سخن آخر

آنچه گفتیم، نمی‌بود از یم خدمتگزاری‌های و حسنات او به ساحت قدس دین و امام عصر^۷. سید جعفر مرتضی‌عاملی نمونه‌ای بود از یک روحانی و عالم و پژوهنده شیعی، به سان اسلاف بسیار و درازنای تاریخ امامیه که عمر خویش را در نصرت ولی خدا پر ثمر داشتند و به نیک فرجامی رسیدند. چنان که در صدر کلام گفتیم، سخن از سید جعفر مرتضی، نه سخن از تقدیس‌ها و تبجیل‌های متداول امروزی، که سخنی از سر تحلیل و راه‌نمایی و مسیربایی برای ماست. ره چنان رو که رهروان رفتند.

۱. (وقر) التوقیر: التَّعْظِيمُ وَ التَّرْزِينُ. (لسان العرب؛ ج ۵؛ ص ۲۹۱)

باری، سید جعفر مرتضی عاملی در سن ۷۷ سالگی در ۲۷ صفر ۱۴۴۱ ق (۴ آبان ۱۳۹۸)، پس از حدود ۳۰ روز بستری بودن در بیمارستان رسول اعظم بیروت در گذشت و در زادگاهش در عینا الجبل به خاک سپرده شد.

منابع

- القرآن الکریم
۱. ابن بابویه، محمد بن علی. من لا یحضره الفقیه. محقق/ مصحح: غفاری، علی اکبر. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ ق.
 ۲. _____ . ترجمه من لا یحضره الفقیه. مترجم: غفاری، علی اکبر. غفاری، محمدجواد و بلاغی، صدر. تهران: نشر صدوق.
 ۳. ابن حیون، نعمان بن محمد. شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار: محقق/ مصحح: حسینی جلالی، محمدحسین. قم: جامعه مدرسین. ۱۴۰۹ ق.
 ۴. ابن منظور، محمد بن مکرم. لسان العرب. محقق/ مصحح: میردامادی، جمال الدین. بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع دار صادر. ۱۴۱۴ ق.
 ۵. بهجت تبریزی، محمدحسین. کلیات دیوان اشعار.
 ۶. شریف الرضی، محمد بن حسین. نهج البلاغه. محقق/ مصحح: صالح، صبحی. قم: هجرت. ۱۴۱۴ ق.
 ۷. _____ مترجم: انصاریان، حسین. تهران: پیام آزادی.
 ۸. شیخ بهائی، محمد بن حسین عاملی، نان و حلوا. تهران: رجیبی.
 ۹. طبرسی، احمد بن علی. الإحتجاج علی أهل اللجاج. محقق/ مصحح: خرسان، محمدباقر. مشهد: نشر مرتضی. ۱۴۰۳ ق.
 ۱۰. عاملی، محمدبن حسن (شیخ حرّ). هداية الأمة إلى أحكام الأئمة: محقق/ مصحح: آستان قدس رضوی. بنیاد پژوهش های اسلامی. گروه حدیث. مشهد: آستانه الرضویة المقدسة، مجمع البحوث الإسلامية. ۱۴۱۴ ق.
 ۱۱. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق. الکافی (ط الإسلامية). محقق/ مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد. تهران: دار الکتب الإسلامية. ۱۴۰۷ ق.
 ۱۲. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی. بحار الأنوار (ط بیروت). محقق/ مصحح: جمعی از محققان. بیروت: دار إحياء التراث العربی. ۱۴۰۳ ق.
 ۱۳. مولوی، جلال الدین محمد بن محمد. مثنوی معنوی. محقق: هاشم پور سبحانی، توفیق. تهران: وزارت

فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات. ۱۳۷۳ ش.

۱۴. نوری، حسین بن محمد تقی. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. محقق/ مصحح: مؤسسه آل البيت:

قم: مؤسسه آل البيت: ۱۴۰۸ ق.

۱۵. هاشمی خویی، میرزا حبیب الله. منهاج البراعة فی شرح نوح البلاغة. مترجم: حسن زاده آملی، حسن و

کمره‌ای، محمد باقر. محقق/ مصحح: میانجی، ابراهیم. تهران: مکتبه الإسلامية.

